



بررسی جغرافیای فکری داعش

## فصل نامه داعش؛ از صلاح الدین عراق تا حلب سوریه

گفت و گو با دکتر سعدالله زارعی، کارشناس سیاسی

رمضانعلی ابراهیم زاده گرجی

بیونس باقری

اشارة

خوب» را بازی کند، از تروریست‌های خوب دیگر، مانند «جبهه النصره» وابسته به القاعده، جدا شد و میدان بازی تخریب و کشتار را به عراق منتقل کرد. پس از اشغال بخش‌هایی از مناطق سنی نشین این کشور نیز اعلام حکومت کرد و دولت خود را «حکومت اسلامی» نامید و داعیه خویش را از «عراق و شام» به اصطلاح فراتر بردا. اعضای آن نیز با ابوالبکر البغدادی به عنوان «امیرالمؤمنین» بیعت کردند.

برای شناخت این طیف از تروریست‌های منطقه و درک علت حمایت تروریسم پرون منطقه‌ای از آن‌ها، دلیل مقابله هم قرار گرفتن تروریست‌ها و تروریست پروران، آشنایی با افکار مذهبی و سیاسی داعش و جغرافیای تحت تسلط آنان و ... گفت و گویی با دکتر سعدالله زارعی، کارشناس سیاسی، انجام داده‌ایم که خدمت شما ارائه می‌شود. البته از نظر ما این گفت و گو ناتمام است و پرسش‌های زیادی باقی مانده است. امیدواریم حاصل گفت و گو برای مخاطبان فصل نامه رشد قرآن، به ویژه دبیران درس دینی و قرآن، قابل استفاده باشد.

از آنجا که دبیر قرآن و دینی در دوره دبیرستان پاسخ‌گوی سؤالات دانش‌آموزان در مورد مسائل سیاسی نیز است، همکاران در طی تماس‌هایی که با دفتر مجله داشتند خواهان اطلاعات بیشتری در مورد گروه تروریستی داعش بودند تا بتوانند در حین تدریس پاسخ دانش‌آموزان را داده و تحلیل جامعی در این مورد داشته باشند. که اینک تقدیم حضور شما عزیزان می‌شود.

تمام کارشناسان در دنیا معتقدند که «تروریسم» ثمرة اشغال کشورها و حاصل توسعه‌طلبی اشغالگران است و روشن ترین شکل این پدیده را می‌توان در «تروریسم القاعده» پس از اشغال افغانستان دید که بعد جهانی پیدا کرده است. اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی به سر برآوردن گروه‌های جدیدی از تروریست‌ها منجر شد که سرانجام یک جریان آن در چهره مخوف «النصره» و سپس «داعش» خود را نشان داد. واژه «داعش» از ترکیب و حرکوف اول کلمات «دولت اسلامی عراق و شام» شکل گرفته است. این گروه وقتی نتوانست در سوریه برای حامیانش نقش «تروریسم

از نظر بستر فکری و آموزشی، کانون هدایت مذهب حنفی در دو کشور قرار دارد: اول در ترکیه و دوم در مصر. حنفی‌ها در سطح جهان پیروان زیادی دارند.

● آقای زارعی، در این گفت‌وگو می‌خواهیم اطلاعات اولیه و لازم درباره گروه داعش را در اختیار همکارانمان بگذاریم؛ همکارانی که مخاطب فصل نامه رشد آموزش قرآن هستند. پس جناب عالی صحبت را شروع کنید و ما هم هر جا سوالی داشته باشیم، با شما در میان می‌گذاریم.  
e ابتدا به جغرافیای حضور داعش پیردازیم که در دسترس قرار دارد. این جغرافیا کم و بیش از استان «صلاح الدین» و به تعبیری مناطق شرقی استان صلاح الدین عراق اغاز می‌شود و تا منطقه «حلب» در سوریه امتداد می‌یابد. این گستره سرزمینی حدود ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد.

مذهب داعشی‌ها «حنفی» است که یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت است. بیش از ۹۰ درصد اعضای داعش پیرو مذهب حنفی‌اند و مردمی که در جغرافیای حضور این گروه زندگی می‌کنند نیز عموماً از مذهب حنفی پیروی می‌کنند.

از نظر بستر فکری و آموزشی، کانون هدایت مذهب حنفی در دو کشور قرار دارد: اول در ترکیه و دوم در مصر. حنفی‌ها در سطح جهان پیروان زیادی دارند و می‌شود گفت: حنفی‌ها از نظر جمعیت، اکثریت را در میان مذاهب اهل سنت دارند. منتهای در این منطقه، خاستگاه داعش فقط از صلاح الدین تا حلب است. یعنی داعش بخشی از جریان مذهب حنفی است و کل پیروان مذهب حنفی را پوشش نمی‌دهد. به عبارت دیگر، نمی‌توانیم تمام حنفی‌ها از طرف داعش بدانیم.

● افرادی که از کشورهای مختلف به داعش می‌پیوندند، حنفی‌اند؟  
e معمولاً حنفی‌اند. آنانی که از چن و ترکیه می‌آیند، حنفی‌اند و کسانی که از شمال آفریقا به داعش می‌پیوندند، نوعاً حنفی‌اند.

● حنفی‌هایی که گرایش حادّ سلفی دارند.  
e در واقع داعش حنفی‌های تندری یا سلفی‌ها را در بر می‌گیرد. با این حال تأکید می‌کنم که اکثریت حنفی‌ها پشتیبان داعش نیستند، ولی بیش از ۹۰ درصد اعضای داعش حنفی‌اند.

● آیا ارتباطی بین داعش و حنبعلی‌ها هم هست؟ داعش اعلام می‌کند که سر از تن علوی‌ها جدا می‌کند. حنفی‌ها این خصلت ضدعلوی را از کجا پیدا کرده‌اند؟ اینان نمی‌توانند وهابی باشند؛

e اجازه بدھید این مقدمه را تکمیل کنم، بعد توضیح می‌دهم. سؤال شما مهم است و باید بدان جواب

داد. داعش از این مساحت ۴۰۰ هزار کیلومتری در اختیارش، تحت عنوان «دولت اسلامی عراق و سوریه» یاد می‌کند.

قلب این منطقه «رقه» است که در سوریه قرار دارد. در حال حاضر رقه را دارالخلافه می‌دانند. با این مقدمه می‌توان مهمنه‌ترین کشور پشتیبان داعش را نیز شناخت، ترکیه! ترکیه از ابتدا تاکنون بیشترین حمایت را از داعش کرده است. زیرا ترکیه بیشترین پیروان مذهب حنفی را در جریان دارد. ترکیه با این اقدام دو هدف را دنبال می‌کند.

۱. با حمایت از داعش، خود را از تهدیدشان دور نگه می‌دارد. وقتی کسی از کسی حمایت می‌کند، توقع دارد که حمایت شونده نیز حریمیش را مراحت می‌کند.

۲. ترکیه فکر می‌کند که در موضوعی می‌تواند از داعش به عنوان هم‌پیمان قومی منطقه‌ای استفاده کند. دلیل آن نیز واضح است: ترکیه از حداقل عمق جغرافیایی (عمق محیطی) برخوردار است. در حالی که برای مثال ایران تامدیترانه عمق سیاسی دارد. از یک طرف تا هلی و از یک طرف تا یمن. از طرف شمال هم تا تاجیکستان عمق سیاسی دارد. تمام محیط اطراف کشورمان از ایران پشتیبانی امنیتی و سیاسی می‌کنند اما ترکیه

فاقد این عمق است. حتی فاقد حداقل عمق است.

برای درک این مدعایه کشورهای پیرامونش نیز کنید و دوستان و دشمنان ترکیه را در یک فهرست بیاورید؛ آن هم در محیط مرزی. روابط عراق و سوریه - تنها دو کشور عرب همسایه ترکیه - با ترکیه خصم‌انه است. روابط ترکیه با کشورهای مسیحی پیرامونش نیز بسیار تیره است. رابطه ترکیه با رمنستان، قبرس، یونان و بلغارستان کاملاً خصم‌انه است و کشورهایی که حتی دورتر از مرز ترکیه قرار دارند، مثل روسیه نیز چنین‌اند. حتی رابطه ترکیه با بخش‌هایی از اوکراین (شرق اوکراین) نیز تیره است. یعنی ترکیه با این کشورها رابطه مثبت و سازنده ندارد. بنابراین، ترکیه از حصر جغرافیایی به شدت در عذاب است و به این دلیل فکر می‌کند اگر داعش بتواند در جغرافیایی یاد شده دولتی تشکیل بدهد، می‌تواند یک متحد راهبردی داشته باشد. متحدی راهبردی که از مردم عرب باشد و خلافقدان متحد عرب سنی مذهب را جبران کند.

نکته جالب این است که ترکیه کشوری است که اکثریت جمعیتش را پیروان سنی مذهب (حنفی) تشکیل می‌دهند، اما حتی یک کشور متحد از میان کشورهای سنی مذهب ندارد. یک کشور نیمه متحد به نام جمهوری آذربایجان دارد که البته اکثر مردمش شیعه‌مذهباند.

## ترکیه قطعاً به احیای حکومت عثمانی بسیار تمایل دارد که طبیعی است. ملت‌ها همواره در دورهٔ ضعف‌شان، آرزوی رسیدن به قدرت را در گذشته می‌جویند

گرفت که نظریه پرداز سیاست خارجی حزب بود تا بتواند منویات خود را که همان منویات حزب بود، اجرایی کند. اما امروز که دورهٔ دوم حکومت این حزب در ترکیه شروع شده است، می‌بینیم که نه تنها حتی در روابط عادی بین ترکیه و اغلب کشورهای عربی خلل به وجود آمده، بلکه روابط خصم‌مانه بیشتر از روز اول به قدرت رسیدن آن‌ها شده است. کشورهای عربی ضد هدف‌های ترکیه عمل می‌کنند و برای این حزب فقط شهرت «نوع‌عثمانی‌ها» چیز دیگری آن هم بر زبان، باقی نمانده است.

ترکیه قطعاً به احیای حکومت عثمانی بسیار تمایل دارد که طبیعی است. ملت‌ها همواره در دورهٔ ضعف‌شان، آرزوی رسیدن به قدرت را در گذشته می‌جویند. تازه اگر گذشته‌قابل توجهی داشته باشند، می‌کوشند آن را در خور روز احیا کنند. سؤال این است که آیا اوضاع حاکم بر جهان و منطقه به دولت ترکیه اجازه تحقق چنین آرزوی را می‌دهد یا خیر؟

برای رسیدن به پاسخ باید وضع کنونی محیطی را بررسی کنیم که قبل از اجزای امپراتوری عثمانی بود، یعنی عراق، عربستان، کویت، سوریه، فلسطین، لبنان، مراکش و در مقاطعی مصر و ... آیا اکنون ملت‌ها حاضر به پذیرش چنان وضعی هستند؟ آیا عرب‌ها از دولت عثمانی خاطره خوب دارند؟ آیا مایل‌اند آن خاطرات تجدید شود؟

تاریخ می‌گوید چنین نیست؛ زیرا عرب‌ها اولین مخالفان دولت عثمانی بودند و اکنون هم اولین مخالفان احیای امپراتوری عثمانی‌اند. یعنی در منطقه عربی یک کشور هم نمی‌یابید که رابطهٔ فعالی با ترکیه داشته باشد.

### ● در این باره کردها چه نظری دارند؟

مسلمان‌کردها هم نظر مساعد و مثبت ندارند و اکنون هم کرده‌ای ترکیه و کشورهای اطراف رابطهٔ مثبتی با آنکارا ندارند. بعد می‌رسیم به متحдан امروز ترکیه در غرب، غربی‌ها (روپا و آمریکا) که همواره در صدد تجزیه و تکه‌تکه کردن کشورهای اسلامی‌اند، همان‌طور که اروپایی‌ها، امپراتوری عثمانی را تجزیه کردن، چگونه می‌توانند با احیای امپراتوری عثمانی موافق باشند!

● در داخل ترکیه چه‌طور با این موضوع موافق می‌شوند؟ آیا «حزب حلق» که سال‌ها بر ترکیه حکومت کرد و احزاب علوی با احیای امپراتوری موافق‌اند؟

شما مطلع هستید که حدود دو سال پیش، وقتی در شهر استانبول نام پلی را «سلطان سلیم» گذاشتند،

● با توجه به تلاش ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا و اینکه داعش موضعی ضدغیری دارد، ترکیه حمایت خود را از داعش چگونه توجیه می‌کند؟ موضوع بعدی این است که شاید ترکیه فراتر از یافتن متعدد عربی فکر می‌کند. شاید در سودای احیای امپراتوری عثمانی است، آیا دچار پارادوکس نیست؟

نه! پارادوکس نیست. اروپا متعدد قوی را می‌پسندد یا متعدد ضعیف را؟ این سؤال کلیدی است. اگر اروپا متعدد ضعیف را دوست دارد، در حال حاضر ترکیه متعدد ضعیف است. اما اگر آنان متعدد صاحب نفوذ و مؤثر در پروندهای مختلف را می‌خواهند، به همان دلیل نداشتند عمق جغرافیایی که عرض کرد، ترکیه فاقد توان اثرباری بر پروندها و موضوع‌های منطقه‌ای است. شما به بحران اوکراین دقت کنید. می‌دانید که اوکراین از طریق دریای سیاه به ترکیه وصل می‌شود؛ یعنی بین دو کشور فاصله کمی هست، مثل فاصله ایران با عمان یا عربستان.

اوکراین به عنوان متعدد غرب دچار بحران شد. روسیه توانست شبه‌جزیره کریمه را تصرف کند و بخش شرقی اوکراین هم تهدید شد. اما اتحادیه اروپا که اوکراین جدید را متعدد خود حساب می‌کرد، قادر به حل و فصل بحران بین اوکراین و روسیه نبود. در این پرونده، اتحادیه اروپا از ترکیه توقع داشت نقش مؤثری ایفا کند، زیرا منطقه درگیری، منطقه مشترک بین ترکیه و اوکراین است.

● ترکیه با هدف پادرمیانی وارد این ماجرا شد اما کاری از پیش نبرد.

ورود بی‌تأثیری داشت و در این بحران نتوانست به اتحادیه اروپا هیچ کمکی کند. غربی‌ها ترکیه را کشوری قوی به حساب نمی‌آورند. ممکن است به ترکیه از نظر صنعتی و فناوری صنعتی، نظر مثبت داشته باشند، ولی کشوری نیست که بتواند مشکل منطقه‌ای را که برای غرب به وجود می‌آید، حل و فصل کند. به این علت تلاش ترکیه برای پیدا کردن یک متعدد منطقه‌ای با تلاش این کشور برای عضویت در اتحادیه اروپا با هم جمع می‌شوند و منافاتی با هم ندارند. زیرا اتحادیه اروپا متعدد قوی را ترجیح می‌دهد و ترکیه هم می‌کوشد ضعف خود را بطرف کند تا متعدد قوی جلوه کند.

● حزب «عدالت و توسعه» به رهبری اردوغان در دورهٔ اول با هدف بسط نفوذ حداکثری ترکیه در کشورهای عربی، دولت خود را تشکیل داد. در رأس وزارت امور خارجه، احمد داود اوغلو قرار



**شعبه‌های  
القاعدہ در  
دنیا، در حال  
ایجاد تفرقہ  
مذہبی بین  
مسلمانان اند**

بله! یعنی دوره‌ای که اهل سنت در جهان اسلام دارای قدرت متمرکز بودند و داعش چشم به آنان دارد. اما به این علت که واژه «خلافت» در حکومت بنی عباس و در امپراتوری عثمانی مشترک است، یعنی «خلافت عباسی» و «خلافت عثمانی»، لذا زمان ایجاد بحران در میان اهل سنت را سال ۱۹۲۴ میلادی که زمان فروپاشی امپراتوری - خلافت - عثمانی است، می‌دانند و آن را آغاز بیچارگی خود ارزیابی می‌کنند ولی نگاهشان از نظر شکلی و تاریخی به دوره خلافت بنی عباس است.

● **بهتر است گفت و گو را تا حدی منظم کنیم** تا مخاطبان عزیز بتوانند قدم به قدم اطلاعات را دریافت کنند. می‌توان به دو شکل عمل کرد: یکی از این سو شروع کنیم تا بررسیم به اندیشهٔ سلفیه یا سلفی گری یا از آن سو، یعنی از گذشته شروع کنیم و به زمان حال بیاییم.

بله بسیار خب. از قرن سوم هجری کسانی موضوع بازگشت به مقطع تاریخی «سلف صالح» را مطرح کردند. این مقطع زندگی پیامبر اسلام (ص) از چند سال قبل از هجرت تا رحلتشان و دوره تابعین را در بر می‌گیرد؛ یعنی حدود اوخر قرن سوم یا اوابل قرن چهارم هجری. وقتی می‌گویند بازگشت به این دوره، یعنی بازگشت به آنچه در این دوره تاریخی اتفاق افتاده است و بدان عمل شده و هویت تاریخی مسلمانان (اهل سنت) را شکل داده است. اما سلفی‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که واقعاً با مبنای اعتقادی، بازگشت به آن دوران را مطرح می‌کنند.

سلطان سلیمی که مقتصدرین سلطان دوره ۶۰۰ ساله امپراتوری عثمانی بود و بسیاری از فتوحات امپراتوری با نام او گره خورده است. ...

● **سلطان سلیمی که اروپایی‌ها به او لقب «تازیانه آسمانی» داده بودند، زیرا فکر می‌کردند بدليل گناهانی که کرده‌اند، خداوند بهوسیلهٔ سلطان عثمانی آنان را مجازات می‌کند.**

بله. الان هم که به استانبول بروید، شمارا به موزه یا به قول ترک‌ها، پانوراما استانبول می‌برند و جنگ‌های سلطان سلیم را نشان می‌دهند اما در داخل ترکیه هنگامی که می‌خواستند نام وی را روی پلی بگذارند، علوی‌ها قیام کردند و مانع این نام‌گذاری شدند. بنابراین در داخل ترکیه از این فکر پشتیبانی جامع نمی‌شود و در خارج ترکیه از این فکر پشتیبانی جامع مخالف دارد. یادمان باشد که علوی‌ها و کردهای ترکیه، روی هم نصف جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. این نیمی از جمعیت، نیمی از خاک ترکیه را نیز در اختیار دارد؛ مناطق شرقی ترکیه در اختیار کردهاست و تمام مناطق جنوبی این کشور را نیز علوی‌ها در اختیار دارند. در نهایت از فکر احیای امپراتوری (خلافت) عثمانی، نه در داخل ترکیه حمایت جامع می‌شود و نه کشورهای عربی، نه کردها، نه اروپایی‌ها و نه ایران (به عنوان یک کشور بزرگ و همسایهٔ ترکیه) با آن موافق‌اند و همه با آن مخالفت جدی دارند. لذا عنوان امپراتور عثمانی، فقط گاهی بر زبان می‌آید، اما فاقد هر نوع پشتوانه واقعی در عرصهٔ میدانی است.

● **البته در میان شیعیان هم معتقدان به تفکر سلفی هستند، اما با مبنای اندیشه و اعتقاد و عمل شیعی**

بله درست است. در میان شیعیان نیز کسانی هستند که می‌گویند ما باید به رویدادهای عصر امامان (ع) بازگردیم تا مبنای زندگی امروز و همۀ روزهایمان قرار گیرد. یعنی به یک دوره ۲۵۰ ساله که با امامت امیرالمؤمنین علی (ع) شروع می‌شود و به سال غیبت کبرای امام زمان (ع) خاتمه می‌یابد. گروهی که براساس اعتقادشان بازگشت به دوران سلف صالح را مطرح می‌کنند، می‌گویند بعد از این دوره آنچه اتفاق افتاد، انحراف از اسلام بوده و در واقع خلافت نبوده و سلطنت بوده است.

● **در حقیقت به شکل حکومت اشکال دارند.** نه فقط به شکل حکومت اشکال وارد نمی‌کنند بلکه به بسیاری از باورها و سنت‌هایی که در جوامع

● **ظاهرًا داعش ادعا می‌کند از وقتی امپراتوری عثمانی فرو پاشید، شکوه و عظمت مسلمین از بین رفت و ما باید دوباره آب رفته را به جوی برگردانیم.** یعنی اصل بحث به «خلافت اسلامی» باز می‌گردد که فraigیرتر از امپراتوری عثمانی است و پیوند می‌خورد با اندیشهٔ سلفی و خلفای راشدین. گرچه زمان اضمحلال خلافت عثمانی، بین متفکران مسلمان سنتی بحث‌های درازی درگرفت که ابتدا همه مخالف اضمحلال خلافت عثمانی بودند و بعد اجتهدادهایی از جمله در شبے قاره هند کردند.

بله درست می‌فرمایید. در واقع ایدهٔ سیاسی داعش، ایدهٔ «خلافت» است. در احیای خلافت به بنی عباس نظر دارند.

● **الآن هم داعشی‌ها، مثل بنی عباس، لباس سیاه بر تن دارند و در حقیقت شعار بنی عباس را برگزیده‌اند که معروف به «سیاه جامگان» بودند.**



**می‌گویند  
هدف اصلی  
و کنونی ما،  
مبازه با شیعه  
است و مبارزه  
با آمریکا و  
اسرائیل ما را  
از این هدف  
دور می‌سازد  
و سبب  
استحکام  
سيطره شیعه  
در منطقه  
می‌شود**

۲۰۰ تا ۲۵۰ ساله صدر اسلام وجود ندارد. حتی در ماجراهی یهود، پیامبر (ص) دستور داد زنان و بچه‌ها را جدا نکند و فقط مردانی مجازات شوند که جنایت کرده بودند یا کاملاً ثابت شده بود که در صدد توطئه علیه مسلمانان هستند و با کفار علیه مسلمانان همدستی می‌کنند. در حالی که الان به این نکات توجه ندارند و زن، بچه، پیر، جوان، با گناه و بی گناه، نظامی و غیرنظامی را می‌کشند. عقیده هم نیست. این دسته هر کس را که فکر کند مانع رسیدن آنان به قدرت می‌شود، از پیش رو برمی‌دارد. این گروه بهدلیل عملکردشان، هرگز پاییند به سنت سلف صالح نیستند. عنوان گذاری برای اینان، عنوان گذاری جعلی است. اینان که در وضعیت کنونی در پنهان جغرافیایی صلاح الدین تا حلب جولان می‌دهند و با عنوان داعش شناخته می‌شوند، در جرگه گروه دوم قرار دارند. داعش با شعار حکومت، افراد را دور هم جمع کرد.

● **پس قبیله‌گرایی داعش چگونه توجیه می‌شود؟**  
داعش مبنای جذب نیروی خود را توجه به قبیله قرار داده است. داعش با ایجاد ارتباط با سران قبایل و جذب آنان، نیرو جذب می‌کند. برای جذب هم، به سران قبایل وعده حکومت می‌دهد. برای مثال، «شمر» قبیله‌ای بزرگ در منطقه است محدوده زیست قبیله شمر از شرق عربستان آغاز می‌شود و تا شمال عراق و اردن امتداد می‌یابد. در قبیله شمر، شیعه و سني با هم زندگی می‌کنند؛ یعنی قبیله را مجموعه‌ای از پیروان مذاهب مختلف و حتی مسیحیان تشکیل می‌دهند. داعش به سران شمر وعده داده است که حکومت عربستان در اختیار این قبیله قرار گیرد.

بدین ترتیب مبنای نگرانی‌های حکومت‌های عربستان، اردن و ترکیه، همین رویکرد داعش است. اگر داعش صرفاً یک جریان عراقي - سوری بود، دلیلی نداشت ترکیه و عربستان نگران باشند. ولیکن قبیله‌گرایی داعش سبب نگرانی آنان شده است. زیرا قبایل در مراتزهای ملی محصور نیستند و فراتر از مراتزهای ملی می‌روند. مثل قبیله شمر یا قبیله بو که این قبیله هم بسیار بزرگ است و حجاز را در داخل عربستان پوشش می‌دهد و دامنه آن می‌رسد به مناطق جنوبی بصره در عراق و حتی در جنوب‌غربی ایران نیز سکونت دارند. برخی از قبایل مانند رودهای نیل و فراتاند که مراتزهای جغرافیایی را

در می‌نورند و چندین کشور را مشروب می‌سازند. بنابراین، داعش با مبنای دین فراخوان نمی‌دهد بلکه فراخوان قبیله‌ای با وعده حکومت می‌دهد. نکته دیگر این است که در کنار ارتباطات طایفه‌ای و قبیله‌ای،

اسلامی رسوخ کرده، تهنشین و جاگیر شده‌اند، اشاره دارند و همه را از انحراف می‌دانند. معتقدند همه این باورها و سنت‌ها باید بازخوانی شوند و ضمن تطبیق با سنت و مشی سلف صالح، اگر مطابقت دارند، پذیرفت و آن‌هایی را که تطبیق نمی‌کنند یعنی انحراف محسوب می‌شوند، باید رد کرد.

از مؤخرین این اندیشه می‌توان به مرحومان سید قطب (مصر) و نیز ماوردي و اقبال لاهوری (پاکستان) و رشید رضا و عبدو (مصر) اشاره کرد. این افراد از روی عقیده و اعتقاد می‌گویند بازگردیم و عقیده خود را اصلاح کنیم.

دسته دیگر کسانی هستند که برای نفي وضع موجود و به دست گرفتن قدرت، از بازگشت به دوره سلف صالح حرف می‌زنند. اینان گذشته‌گرایند. می‌توان این گروه را معتقدان به «اصالت القدرة» نامید. می‌خواهند از این فکر به عنوان مرکبی برای رسیدن به قدرت استفاده کنند و صادقانه از مذهب و مبانی مذهبی سخن نمی‌گویند. حساب این گروه از گروه اول جاست.

امروزه برای تفکیک این دو گروه، از دو اصطلاح استفاده می‌شود: گروه اول را «سلفی جهادی» و گروه دوم را «سلفی تکفیری» نامیده‌اند. گاهی بین این دو گروه خلط می‌شود. نمی‌خواهیم وارد این بحث شویم که واقعاً این‌ها دو گروه‌اند یا یک گروه، و چه مشترکات و چه تفاوت‌هایی دارند؟

● **سلفی‌های تکفیری را بیشتر درون‌گرا می‌دانند؛ یعنی این گروه به وقایع و روابط درون جوامع اسلامی توجه دارند اما سلفی‌های جهادی را بروند گرا ارزیابی می‌کنند و به موضع استعمار و دخالت کشورهای استعماری در کشورهای اسلامی می‌پردازند. آیا اینان در صدد نفی استعمار و وابستگان آنان در جوامع اسلامی‌اند؟**

من می‌خواهم بگویم این حرف‌ها خیلی دقیق نیستند. در خیلی از جاهای مراتزها در هم می‌روند. نمی‌شود همه جا سلفی‌ها را دو دسته کرد و برای هر دسته ویژگی‌هایی را برشمود. صاحب‌نظران، خیلی از بحث‌ها را برای گمانه‌زنی و عنوان گذاری مطرح می‌کنند تا پتوانند دیدگاه‌های خود را برای عرضه به مخاطبان بیان کنند.

اما دسته دوم که از دین، مذهب، پیامبر (ص)، آیات قرآن و روایات می‌خواهند پلی برای رسیدن به قدرت بسازند، به صورت اصولی به سلف صالح پاییندی ندارند. چرا؟ زیرا وقتی شما اعمال این دسته را مطالعه می‌کنید، می‌بینید با شیوه و سنت سلف صالح هم خوانی ندارد. برای مثال، کشتار دسته‌جمعی در هیچ جای تاریخ

**ایمن الظواهری**  
**سال گذشته فتو**  
**داد که ریختن**  
**خون شیعه حرام**  
**است و در گیری**  
**با شیعیان جایز**  
**نیست. در**  
**حقیقت، او در**  
**برابر کسانی که**  
**در گیری و کشتار**  
**شیعه را ترویج**  
**می‌کنند، موضع**  
**گرفته است.**  
**القاعدہ از موضع**  
**روشن فکرانہ در**  
**جهان اہل سنت**  
**حرکت می کند کہ**  
**بادیدگاہ سنتی**  
**نمی خواند**

حتی مرزهای مذهبی خاص خود را هم در می‌نوردند و با پیروان مذاهب دیگر هم مذاکره می‌کنند. تلاش دارند در مصر و لیبی متحдан مالکی داشته باشند و در کشورهای دیگر متحدانی از مذاهب دیگر. این موضوع می‌تواند جواب پرسشی هم باشد که درباره ارتباط داعش حنفی مذهب با حنبلی‌ها پرسیدید.

● چه ارتباطی بین داعش و وهابیت وجود دارد؟  
بین داعش و وهابیت از نظر عقیدتی تفاوت وجود دارد. داعش عین وهابیت نیست و ردپای تمام افکار داعش در جغرافیای تفکر وهابیت دیده نمی‌شود. البته داعش و وهابیت از نظر فلسفه سیاسی به یک نقطه می‌رسند. فلسفه سیاسی هر دو جریان اصلت دادن به قدرت است و اینکه باید قدرت را قبضه کنند. برای رسیدن به این هدف، وهابی‌ها با «ابن سعود» متحداشاند، در حالی که وهابی‌های ابن خاندان مذهبی نیست. پس وهابی‌های از نظر آن‌ها ابن خاندان مذهبی نیست. پس وهابی‌های رسیدن به قدرت با غیرمذهبی‌ها ائتلاف کرده و حکومت را در دست گرفته‌اند. داعش هم با همین سیاست عمل می‌کنند؛ زیرا داعش هم به قدرت اصالت می‌دهد.

● حال باید به نزدیکی و دوری داعش با القاعدہ پردازیم. می‌دانیم که داعش در سوریه با «جبهه النصره» متحد بود. جبهه‌النصره از اجزای القاعدہ است. سرانجام داعش از این جبهه جدا شد، یعنی دور شدن از القاعدہ و پس از اعلام «حکومت اسلامی» در عراق و سوریه توسط داعش و تعیین امیرالمؤمنین، رهبر القاعدہ – ایمن الظواهری – داعش را طرد و آن را تکفیر کرد و داعش را به صورت رسمی خارج از دایره القاعدہ دانست. شما در این زمینه تفاوت‌ها و تقارب‌های این دو جریان را بیان فرمایید.

● بین داعش و القاعدہ در مواردی تفاوت‌های اساسی وجود دارد که بخشی ماهیت عقیدتی دارد و بخشی هم ماهیت رویکردی و سیاسی.  
القاعدہ سازمانی جهانی است و در کشورهای متفاوت شعبه دارد. القاعدہ دو شعار عمده را محور کارش قرار داده است: شعار اول این است که می‌گوید باید در جهت تضعیف آمریکا حرکت کنیم و جهت اصلی حرکت ما باید علیه آمریکا باشد.

در شعار دوم می‌گوید حرکت ما نباید وحدت جهان اسلام را مخدوش کند. نباید به اختلافات مذهبی دامن زد. می‌گوید مبارزه ما نباید هویت مذهبی خاصی پیدا کند؛ زیرا مامی خواهیم در جهان اسلام فعالیت کنیم و در جهان اسلام، مذهب واحدی حاکم نیست. بنابراین، باید شعار ما

فرامذهبی باشد و با شعار مذهبی نمی‌توان به جایی رسید. چارچوب فکری القاعدہ را این دو شعار می‌سازد. القاعدہ در حوزه ریوکردو و سیاسی معتقد است باید حکومت مدرن را تشکیل بدھیم. با این توضیح که می‌گویند ما باید قدرت سیاسی داشته باشیم که هم دست رد به سینه غرب بزند و هم کل جهان اسلام را به رستگاری برساند. بهویژه هرچه به بنیان‌های فکری رهبران اولیة القاعدہ رجوع کنید، این دو شعار پرنگتر می‌شود؛ برای مثال، در افکار بن‌لادن و در افکار ایمن الظواهری، می‌دانید که ایمن الظواهری سال گذشته فتواداد که ریختن خون شیعه حرام است و در گیری با شیعیان جایز نیست. در حقیقت، او در برابر کسانی که در گیری و کشتار شیعه را ترویج می‌کنند، موضع گرفته است. القاعدہ از موضع روش فکرانه در جهان اهل سنت حرکت می‌کند که با دیدگاه سنتی نمی‌خواند.

● در ماجراهی اشغال کویت توسط ارتش عراق در زمان صدام، وقتی عربستان و کویت از آمریکا برای اخراج ارتش بعضی عراق کمک خواستند، بن‌لادن پیغام داده بود که شما پای آمریکا را به منطقه باز نکنید. خودمان صدام را از کویت بیرون می‌کنیم، ما مسلمانان باید این کار را بکنیم.

● درست است. این دیدگاه را القاعدہ در حوزه فکری و سیاسی دارد. البته در اینجا می‌توان این سؤال را از القاعدہ کرد که کارهای شما در عمل به آن چیزی می‌انجامد که از آن تبریزی می‌جویید. می‌گویید باید با آمریکا مبارزه کرد ولی اکنون القاعدہ در دنیا، نه خیلی رویارویی آمریکا ایستاده و نه آنجاهایی که دارد مقابله نباید موجب تفرقه در جهان اسلام شود، اما رویکردهایی دارید که در عمل خلاف صحبت شما نتیجه داده شده است. شعبه‌های القاعدہ در دنیا، در حال ایجاد تفرقه مذهبی بین مسلمانانند. این سؤالی است که از القاعدہ داریم و حرف‌هایی است که به آنان می‌گوییم. اما داعش؛ در بحث اول، یعنی مبارزه با آمریکا، داعش می‌گوید ما مبارزه با آمریکا را به عنوان مبارزه‌ای مهم، زمان بر و اساسی قبول داریم. برای ما مبارزه با آمریکا، مبارزه‌ای در دور دست است. می‌گویند قبل از ورود به مبارزه با آمریکا، مبارزه با تشویح را داریم. باید در جنگ با شیعه پیروز شویم تا در جنگ با غرب و آمریکا و اسرائیل حضور فعال داشته باشیم. به این علت در سال‌های اخیر همواره از داشتن موضع فعال نسبت به آمریکا اجتناب کرده‌اند و در صحنه‌های اصلی رویارویی با آمریکا غایب بوده‌اند. برای مثال، در جنگ ۵۱ روزه اخیر در غزه (تابستان ۱۳۹۳) این جریان اصلاً نمودی نداشت. در

در هر گروه از داعش یک نفر طلبه هست که در هر واحد حق فتوای دارد. ولو ۱۸ ساله باشد و ۳ ماه هم بیشتر درس نخوانده باشد. این طلبه آنقدر حق دارد که اگر به نفع گروه بداند، می‌تواند فرمان قتل ساکنان یک منطقه را صادر کند. این فتوای از نظر آن کسی که در رقه - مرکز دارالخلافه - نشسته، قابل قبول است

داعش برخلاف تبلیغاتی که می‌شود، هوشمندانه عمل می‌کند.

● شهر شیعه‌نشین آمریکی، چندین هفته در محاصره داعش بود. نخواستند یا نتوانستند این شهر را اشغال کنند و سرانجام هم مجبور به عقب‌نشینی شدند.

● داعش هوشمندانه عمل می‌کند. نمی‌خواهد احساسات ایران را بیش از این علیه خود تحریک کند. در صدد کنترل احساسات شیعیان است. این بحث اول. اما بحث دوم در حوزه سیاسی. داعش از حکومت سنتی حمایت می‌کند که برخلاف القاعده است. القاعده از حکومت متفرقی می‌گوید و اینکه انتخابات را قبول دارد. اما می‌گوید انتخاباتی که این حکومتها برگزار می‌کنند، فاسد است برای مثال، القاعده حکومت حامد کرزای در افغانستان را فاسد می‌داند؛ لذا انتخابات برگزار شده از سوی این حکومت را هم غیرواقعی و مشکل دار ارزیابی می‌کند. صحبت از واقعی نبودن انتخابات است اما داعش انتخابات را حرام می‌داند.

● آقای زارعی! خوب است در اینجا تشکیلات داعش نیز تا حدی تشریح شود.  
● اجازه بفرمایید این مورد تمام شود. القاعده و داعش نقطه اشتراک هم دارند و آن «جهانی فکر کردن» است. القاعده در صدد تشکیل حکومت جهانی بر مبنای حکومت متفرقی و داعش به دنبال حکومت جهانی با مبنای سنتی و قبیله‌ای است.

● داعشی‌ها کیست‌اند؟ چگونه داعش شکل گرفت؟ مرکزشان کجاست؟ اعضای این گروه چند نفرند؟

● تاریخ پیدایی داعش به زمان اشغال عراق از سوی آمریکایی‌ها برمی‌گردد. در سال ۲۰۰۳ میلادی که آمریکایی‌ها عراق فرسوده و زخم‌خورده دوران بعثت به رهبری صدام را ظرف ۲۱ روز تهاجم اشغال کردند، زمینه‌پیدایی داعش به وجود آمد. زیرا افراد و جریان‌هایی بودند که اقدام آمریکا در اشغال عراق را به دلایلی نمی‌پسندیدند:

● برخی اشغال عراق را سبب از بین رفتن قدرت‌شان می‌دانستند؛ لذا با اشغال‌گران مبارزه می‌کردند.

● برخی مقابله می‌کردند تا پس از رفع اشغال، حکومت عراق را به دست بگیرند.

● برخی مبارزه می‌کردند؛ به این علت که از روی کار آمدن حکومت مردمی اسلامی نکران بودند.

● برخی به دلیل خصوصت خاص نسبت به آمریکا، با

حالی که طرفدارانی در غزه دارد و در غزه توانایی اقدام هم دارد. زیرا برای عملیات هم سازمان و هم سلاح دارد. ولی وارد حنگ با اسرائیل نشند. چرا؟ می‌گویند هدف اصلی و کنونی ما، مبارزه با شیعه است و مبارزه با آمریکا و اسرائیل ما را از این هدف دور می‌سازد و سبب استحکام سیطره شیعه در منطقه می‌شود.

● در حقیقت، داعش می‌گوید ما ابتدا باید بین النهرين و ایران را در اختیار بگیریم. بعد به سراغ فلسطین برویم.

● این ادعای شما جای بحث دارد. آیا داعشی‌ها به توانایی خود برای تصرف ایران اعتقاد دارند؟ من خیلی بعيد می‌دانم که چنین قوایی و حتی چنین فکری داشته باشند. داعشی‌ها می‌دانند که نمی‌توانند از قدرت ۷۰ میلیون جمعیت ایران - که پشتوله روحانیت، سپاه پاسداران و سپیج را با خود دارد داعش حتماً به چنین مواردی توجه دارد.

● همین طور است که می‌فرمایید. داعش نمی‌تواند تا این حد قدرت سازمانی و تجهیزاتی و برنامه‌ریزی داشته باشد. این گروه، پس از اقدام‌های اولیه اکنون در عراق زمین‌گیر شده یا در حال از دست دادن مواضع تصرف شده است. داعش در حقیقت در سوریه مجبور به عقب‌نشینی شد. اما تفکر آنان، تفکر تضییف ایران از طریق اقدام علیه متحдан این کشور، در عراق، سوریه و لبنان است. هم داعش و هم متحدان داعش می‌خواهند ایران را در مرزهایش محصور کنند.

● ما در شعارهای داعش کمتر تهدید ایران را دیده‌ایم. حتی در شعارهایشان، جغرافیایی مورد اشاره‌شان جغرافیای شیعه نیست. به جغرافیای اهل سنت اشاره دارند. به همین دلیل ما به برادران اهل سنت می‌گوییم داعش مشکل شماست و نه مشکل ما شیعیان. ما بدلیم از سرزمین‌های خود دفاع کنیم و این کار را می‌کنیم. ضمن اینکه داعش نمی‌تواند نگاهی به سرزمین‌های شیعه داشته باشد و ندارد.

● داعش در عراق در جاهایی که می‌تواند، شهرهای شیعه‌نشین را محاصره می‌کند و قصد تصرف آن‌ها را دارد.

● ولی می‌بینید که خویشتن‌دارانه با شیعیان برخورد می‌کند. این اتفاق هم در مناطق خاص افتاده است. مانند اتفاقی که در «دانشگاه اسپایکر» در شمال تکریت عراق افتاد که ۱۷۰۰ نفر از دانشجویان شیعه کشته شدند. منهای این واقعه،



و جنوب استان کرکوک مستقر بودند. در دوره حکومت صدام، شریک حکومت صدام بودند. وقتی رژیم بعث سقوط کرد، از موضع شریک رژیم بعث، با آمریکایی‌ها درگیر و با القاعده و بعضی‌ها نیز متحد شدند. دستهٔ چهارم این مبارزه، احزاب سیاسی عراقی بودند که سایهٔ مقابله و درگیری با رژیم بعث را داشتند و معتقد بودند که حکومت بعدی عراق باید به آنان برسد؛ مثل «حزب اسلامی» به رهبری طارق هاشمی، رهبر کنونی حزب اسلامی سامرایی است. حزب اسلامی هم آشکارا و هم پنهانی با گروه‌های قبلی پیوند خورد.

این چهار جریان نسبت به یکدیگر همپوشانی دارند و امروز آنچه در صحنهٔ عراق و سوریه (بهویژه عراق) می‌گذرد، مبتنی بر ترکیبی از این چهار جریان است. ابوالصعب زرقاوی در تابستان ۲۰۰۶ کشته شد و جای او را ابوحمزة گرفت. با کشته شدن ابوحمزة، عمر البغدادی سر کار آمد و اسم تشکیلات از «سازمان توحید و جهاد» به «دولت اسلامی عراق و شام» تغییر یافت. عمر البغدادی اردنی بود و بعد از کشته شدن اوی، تا امروز ابویکر البغدادی رهبری گروه داعش را بر عهده دارد.

#### ● ظاهراً بعضی‌ها از این جریان کنار کشیده‌اند

این طور نیست. با توجه به جریان تحولات، هرچه جلوتر آمدیم، حضور بعضی‌ها پررنگتر شد و حضور داعشی‌ها کاهش یافت. در حقیقت، جریان دوم از چهار جریان در عراق، تقلیل یافته و جریان اول رشد کرد. الان هم در اتاق‌های فرماندهی‌شان عمدتاً بعضی‌ها حضور دارند و در مناطق میدانی و عملیاتی، داعشی‌ها.

#### ● بعضی‌ها در اطلاعیه‌شان گفته‌اند که به‌طور

رسمی از همکاری با داعش کناره گرفته‌اند.

دروغ بود. بعضی‌ها احساس کردن زمانی رسیده است که می‌توانند هم از توبه‌های بخورند و هم از آخر. وقتی این جریان شکست بخورد، بگویند ما نبودیم.

● پس بعضی‌ها در اطلاعیه مذبور خواسته‌اند در انتظار عمومی بهویژه در افکار عمومی مردم عراق بگویند، ما دخالتی در کشتارهای دسته‌جمعی نداریم و خود را از کشتار زنان و مردان و کودکان بی‌گناه مباراً معرفی کنند.

همین طور است. بعد از کشتار دانشگاه اسپاکر، بعضی‌ها اطلاعیه دادند که ما در کشتار کردیم، و اختلافات سنی و شیعه دخالت نداریم و آن را محکوم می‌کنیم ولی واقعیت این است که همین الان در اتاق‌های فرماندهی داعش حضور دارند.

پدیده اشغالگری به مقابله برخاستند.

به هر حال همهٔ این افراد و جریان‌ها وارد میدان مبارزه شدند اما در ابتدای مبارزه‌شان، شکل و سازمان مشخصی نداشتند؛ مبارزه‌ای بی‌رنگ و عمومی اما مسلحانه بود. میدان‌های حضورشان در «فلوجه» و «رمادی» (استان الانبار)، منطقهٔ «بعقوبه» (استان دیاله)، خود شهر بغداد و شهر «کرکوک» بود. یعنی جغرافیایی در حد فاصل کرکوک تا فلوجه را، بتهه نه به صورت کامل میدان مبارزه با اشغالگران کرده بودند؛ آن هم گسیخته و به نسبت ضعیف. در برخی از مناطق از عوارض طبیعی محیط هم استفاده می‌کردند؛ برای مثال در مناطق حاصلخیز و جنگلی اطراف رود فرات.

«سازمان توحید و جهاد» شعارهای دینی می‌داد و لی مبنای کارش سیاسی بود. می‌گفتند ما آمریکایی‌ها را در اختیار خودمنان جدید، بعضی‌ها مبارزه با آمریکا را دنبال می‌کردند. در کنار بعضی‌ها، جریانی در عراق با شعارهای القاعده، وارد مبارزه با آمریکا شد و با همین شعار که عده‌ای به آن‌ها اعتماد داشتند، درصد ایجاد سازمانی برآمدند.

در رأس این گروه فردی بنام ابوالصعب زرقاوی قرار داشت که عنصر القاعده بود. زرقاوی اهل زرقا و اردن بود و زرقا در منطقهٔ يرموق قرار دارد. او در مدت کوتاهی سازمانی را با نام «سازمان توحید و جهاد» تشکیل داد. این سازمان و بعضی‌ها ارتباط کامل داشتند و هر دو گروه یکدیگر امی شناختند و به هم کمک می‌کردند.

«سازمان توحید و جهاد» شعارهای دینی می‌داد و لی مبنای کارش سیاسی بود. می‌گفتند ما آمریکایی‌ها را از عراق بیرون می‌کنیم تا عراق را در اختیار خودمان بگیریم. بدین ترتیب خواستار حکومت عراق بودند. به چه دلیل این حرف را می‌زنم؟ چون وقتی فرایند خروج آمریکا از عراق شروع شد و دولت عراق و شیعیان موفق شدند، آمریکا را وادر ب خروج کنند، این جریان - سازمان توحید و جهاد به رهبری زرقاوی - که شعار خروج آمریکا از عراق را می‌داد، نه تنها در این فرایند با دولت عراق همکاری نکرد، بلکه در این مسیر سنتگانه‌ای هم می‌کرد. این ماجرا نشان می‌دهد که هدف سازمان توحید و جهاد و بعضی‌ها، هدفی کاملاً سیاسی بود و نه موضع اعتقادی و واقعی. گروه سومی که وارد مبارزه شد، نقش‌بندی‌ها با موضوع مذهبی بودند. اینان در شمال استان رمادی



**داعش به این  
نکته توجه  
دارد که هرچه  
بیشتر خون  
ریخته شود،  
ایندهشان  
تیره تر خواهد  
بود. ولی  
به دلیل اعتقاد  
به اصالت  
قدرت، کشتار  
کمترشان  
نیز برای  
ایندهنگری  
است و نگاه  
ایمانی به  
موضوع ندارند**

سریع هم دارد. در حالی که اگر تشکیلات ارتش باشد به یکی از ارکان آن (گروهان، تیپ، هنگ یا الشکر) ضربه وارد شود، ترمیم آن زمان می‌برد.

● به فرض داعش بتواند حکومت دلخواه خود را تشکیل بدهد و خلیفه در رأس حکومت قرار بگیرد، چه طور این همه ویرانی، کشتار و خون‌ریزی را توجیه می‌کنند؟ از نظر اعتقاد مذهبی مشکلی ندارند؛ از نظر آنان این حکومت مشروعيت دارد؟

● واقعیت این است که داعشی‌ها تا آن حد که بتوانند در ظاهر به جز موارد استثنایی - از کشتار وسیع در سوریه و عراق پرهیز می‌کنند. لذا در صورت تصرف یک منطقه، سعی دارند اولاً سران مخالف را دستگیر و زندانی کنند یا به قتل برسانند، ولی با بقیه مردم و ساکنان منطقه، بسیار مثبت برخورد می‌کنند. ثانیاً می‌کوشند دل مردم را به دست آورند و نظرشان را به خود جلب کنند. با همین هدف، به سرعت بین ساکنان نان و سوخت مجانی و دیگر اقلام موردنیاز را توزیع می‌کنند تا مردم احساس کنند که گویا اوضاع دارد بهتر می‌شود.

داعش به این نکته توجه دارد که هرچه بیشتر خون ریخته شود، آیندهشان تیره تر خواهد بود. ولی به دلیل اعتقاد به اصالت قدرت، کشتار کمترشان نیز برای آیندهنگری است و نگاه ایمانی به موضوع ندارند. اگر چنین بود با خود می‌گفتند، شیعه هدف نزدیک و امریکا هدف دور است. شیعه راضی و خوش هدر است؛ بنابراین ما الان به «آمرلی» رسیده‌ایم و به طور طبیعی باید شیعیان آمرلی قتل عام شوند. ولی به دلیل نگاه سیاسی به موضوع، نمی‌آیند کشتار راه بیندازند، بلکه تصمیم می‌گیرند آمرلی را محاصره کنند و مردم شهر را برای رسیدن به اهداف دیگر گروگان بگیرند. تا بتوانند حریف را کنترل کنند. کاری که در «کوبانی» (عین‌العرب) سوریه انجام دادند، با همین هدف بود. آمدند عین‌العرب را گرفتند اما با مردم بدرفتاری نکردند و رفتند بر کوه‌های اطراف کوبانی مستقر شدند. بدین ترتیب، با گروگان‌گیری کوبانی خواستند رفتار ترکیه را تحت کنترل بگیرند. بدین صورت به ترکیه تذکر دادند که اگر با مادرفتاری کنید، ما کوبانی را می‌گیریم و زیر گوش شما مستقر می‌شویم و ترکیه را هدف قرار می‌دهیم. بدین‌وسیله با روش اصالت قرت، یا حریف معامله می‌کنند.

● چند روز پیش اعلام کردند که سخن‌گوی داعش، جوان ۱۷ ساله‌ای اهل استرالیاست. به ما بگویید شعار جذابشان چیست که از تمام

● معمولاً بین حنفی‌ها و علوی‌ها دشمنی نبوده است چگونه داعشی‌ها می‌گویند سر علوی‌ها را جدا می‌کنند؟

● تا حدی خلط مبحث می‌شود. حنفی‌ها در فقه شیعه نزدیک‌اند و در اصول اعتقادی از شیعه دورند. شافعی‌ها و مالکی‌ها در فقه از ما فاصله دارند ولی در اعتقادات به ما نزدیک می‌شوند. یک دوره کتاب هشت جلدی با عنوان «امام صادق و مذاهب اربعه» است که شخصیت بزرگوار نجفی به‌نام اسد حیدر آن را نوشت و دانشگاه ادبیان و مذاهب اسلامی آن را به فارسی ترجمه کرده است و اخیراً چاپ چهارم این مجموعه منتشر شد. ایشان تفاوت‌های فقهی و کلامی مذاهب چهارگانه اهل سنت را با شیعه و هر مذهب را با مذهب دیگری خیلی روشن تبیین کرده است.

● یادمان نرود که از تشکیلات داعش چیزی بیان نشده است؛ از بدنه تا رأس هرم!

● تشکیلات داعش به تعبیری خوش‌های است و هرمی نیست. مثل ارتش یا حزب نیست که هرمی چیده شده باشد. تشکیلات القاعده هم خوش‌های است.

داعش برای اینکه افراد در میدان و مناطق، قدرت تحرک داشته باشند، به آنان اختیار عمل زیادی داده است. سازمانی با این هدف را فقط می‌شود خوش‌های چید. خوش‌انگور یا خرما را در نظر بگیرید. خوش‌ها از طریق یک ساقه به شاخه‌ای اصلی وصل می‌شوند. مثلاً یک نفر در «جوف‌الصخر»، فرماندهی بخشی از نیروهای داعش را به عهده دارد. این فرمانده در میدان صاحب همه‌جور اختیارات است، حتی می‌تواند فتو بددهد. اینکه می‌شوند یک طبله داعشی ۱۸ ساله فتوا می‌دهد، به همین دلیل است.

برخی خیال می‌کنند همه اهل سنت این جور عمل می‌کنند و در ۱۸ سالگی می‌توانند فتوا بدene. برخی هم فکر می‌کنند مفتی داعش ۱۸ ساله است. منطقه ۴۰۰ هزار کیلومتر مربعی تحت سیطره داعش ممکن است به قول عرب‌هاز ۵۰۰ واحد تشکیل شده باشد. در هر واحد ممکن است یک گروه ۵۰ نفری یا کمتر از افراد داعش حضور داشته باشد (عموماً کمتر از ۵۰ نفرند). در هر گروه یک نفر طلبه هست که در هر واحد حق فتوا دارد. ولو ۱۸ ساله باشد و ۳ ماه هم بیشتر درس خوانده باشد. این طلبه آنقدر حق دارد که اگر به نفع گروه بداند، می‌تواند فرمان قتل ساکنان یک منطقه را صادر کند. این فتوا از نظر آن کسی که در رقه - مرکز دارالخلافه - نشسته، قابل قبول است. بنابراین، تشکیلات را خوش‌های چیده‌اند تا وقتی یک خوش‌زده می‌شود، ساختار آسیب نبیند یا آسیب جدی نبیند. نظام خوش‌های قابلیت ترمیم

**ابومصعب زرقاوي**  
**در تاپستان ۲۰۰۶ کشته شد و جای**  
**وی را ابوحمزه گرفت. با کشته**  
**شدن ابوحمزه، عمر البغدادی**  
**سر کار آمد و**  
**اسم تشکیلات از**  
**سازمان توحید و**  
**جهاد» به «دولت**  
**اسلامی عراق و**  
**شام» تغییر یافت.**  
**عمر البغدادی اردنی**  
**بود و بعد از کشته**  
**شدن وی، تا امروز**  
**ابوبکر البغدادی**  
**رهبری گروه داعش**  
**را بر عهده دارد**

عراق ۹۴ تا ۹۵ درصد عراقی و ۵ تا ۶ درصد خارجی است.

● کشورهایی که اتباع آن‌ها به داعش می‌پیوندند، از این کار بدشان نمی‌آید و دلشان می‌خواهد این افراد همان‌جا کشته شوند و دیگر برنگردند تا مزاحمشان شوند.  
 ٰ درست است.

● **شكل گیری القاعده و مهاجرت افراد از کشورهای مختلف عربی به ویژه عربستان، چگونه توجیه می‌شود؟**

به این علت که داعش با مبنای قبیله‌ای حرکت می‌کند، بدون شک با حکومت عربستان مشکل پیدا می‌کند. به رئیس قبیله شمر یارئیس قبیله دیگر گفتند به شما برای ساقط کردن حکومت آل سعود کمک می‌کنیم، آن‌وقت خودتان حکومت را بدهست بگیرید. به همین دلیل، حکومت عربستان نسبت به تحرکات داعش حساس است.

● **اگر این گونه است، چرا با پول عربستان، تجهیزات ترکیه و برنامه آمریکا دارند عمل می‌کنند؟**

این‌ها در مقطع طولانی با مبنای رسمی سقوط دولت شیعه در عراق و سرنگونی حکومت بشار اسد، در سوریه حرکت می‌کردند. برای تحقق این دو هدف، عربستان، اردن، آمریکا، اروپا و ترکیه از آنان پشتیبانی مالی و لجستیکی می‌کردند اما در سوریه شکست خورده‌اند، در حالی که برای چند سال پول و سلاح از آنان گرفته بودند. با این حال به صورت مستمر از دمشق و بغداد دورتر می‌شدند. بعد تلاش کردن این ناکامی‌ها را در جاهای دیگر جبران کنند که سبب بروز اختلافات بین داعش با عربستان و ترکیه شد. اکنون هم اگر داعش قول بدهد و توافق‌نامه‌ای را امضا کند که کاری به این دو کشور نداشته باشند، باز هم پول و سلاح به سمت داعش سرازیر می‌شود.

● **مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌هایش فرمود: آمریکا، القاعده و داعش را برای از بین بودن جمهوری اسلامی به وجود آورد. اگر موضوع را مذهبی بدانیم، چه طور با تحلیل رهبری جور درمی‌آید؟**

من توضیح دادم که داعش به قدرت اصالت می‌دهد؛ یعنی اصالة‌القدرة است و با اعتقاد مذهبی حکومت نمی‌کند. عملشان سیاسی است و مذهب پوسته‌ای برای ظاهر است. برای اینکه آمریکایی‌ها این گروه را ساخته‌اند، دو استدلال وجود دارد:

دنیا افراد را به سوی خود می‌کشند؟ به رئیس قبیله وعده پست و مقام در حکومت می‌دهند، به این افراد چه وعده‌ای می‌دهند؟ می‌گویند وقتی این افراد به منطقه حضور داعش می‌رسند، گذرنامه‌های را از بین می‌برند. یعنی پل برگشت را پشت سرشان خراب می‌کنند.

ٰ این موضوع از چند زاویه قابل بررسی است. یک زاویه این است که از انواع شعار استفاده می‌کنند. به رئیس قبیله یک چیز می‌گویند و به طایفه خاصی که حساسیت‌هایی دارد، چیز دیگری می‌گویند. در اینجا با افراد هر کشوری مناسب حال ایشان حرف می‌زنند.

● **تحصیل کرده‌های غربی می‌آیند به اینان می‌پیوندند.**

آرای عرض کردم که شعارهای گوناگون، طیفه‌های متفاوت را جذب می‌کنند. آنچه ما مشاهده می‌کنیم این است که نشریه‌ای با محتوای بسیار بسیار قوی چاپ و منتشر می‌کنند تا بتوانند در سطح دنیا افراد را جذب کنند. تاکنون چند فیلم ساخته‌اند و پخش کرده‌اند. اما مگر چند درصد اعضای داعش را در عراق خارجی‌ها تشکیل می‌دهند؟ بررسی ما می‌گوید تعداد داعشی‌های غیرعراقي، ممکن است پنج تا شش درصد باشد؛ می‌خواهند اروپایی باشند یا استرالیایی یا چینی یا پاکستانی یا افغانستانی. این پنج تا شش درصد تعیین‌کننده نتیجه معادلات نیستند.

این گروه در سوریه هم سعی کرد نیروهایش را از میان مردم سوریه جذب کند ولی با اقبال چندانی روبرو نشد؛ نسبت به جذب در میان مردم عراق. زیرا سنی‌های سوریه اصلًا احساس نمی‌کنند که حکومت را در کشورشان کسی غصب کرده است. آنان حکومت سوریه را سنی می‌دانند نه علوی! به این علت، الان اگر شما به سوریه بروید و با شیوخ علوی صحبت کنید و بعد با شیوخ سنی حرف بزنید، شیوخ علوی را ناراضی تر از شیوخ سنی نسبت به حکومت می‌بابید. چرا؟ زیرا بشار اسد و خاندان اسد برای اینکه به علوی بودن متهم نشوند، انواع فشارها را روی علوی‌ها آورده‌اند ولی همیشه به مشایخ اهل سنت لبخند زده‌اند. در میان علوی‌های سوریه سطح نارضایتی خیلی بیشتر از سطح نارضایتی سنی‌ها در «حلب» یا «دمشق» است. در حالی که در عراق عده‌ای احساس می‌کنند حکومت ۲۰۰ ساله را از دست داده‌اند و این تفاوت در عراق و سوریه قابل درک است. به همین علت، تعداد نیروهایی که از خارج به گروههای مخالف می‌پیوندند، خیلی بیشتر از تعداد افرادی است که از خارج به داعش در عراق می‌پیوندند.

در سوریه ممکن است معادله ۴۰ به ۶۰ باشد. یعنی ۴ درصد سوری باشند و ۶۰ درصد غیرسوری. ولی در

**سنی‌های سوریه  
اصل احساس  
نمی‌کنند که  
حکومت را در  
کشورشان کسی  
غصب کرده است.**

**آنان حکومت  
سوریه را سنی  
می‌دانند نه علوی!  
به این علت، الان  
اگر شما به سوریه  
بروید و با شیوخ  
علوی صحبت  
کنید و بعد با  
شیوخ سنی حرف  
بزنید، شیوخ  
علوی را ناراضی تر  
از شیوخ سنی  
نسبت به حکومت  
می‌بابید**

داعش علی ابراهیم البدوی است که اهل سامرا ای عراق است. او نه ابوبکر نام دارد و نه اهل «بغداد» است. ابوبکر می‌گویند یعنی ما پیوند با سلف صالح (خلیفه اول) داریم، و از بغدادیم، یعنی ارتباطی با بنی عباس داریم.

● می‌فرمایید داعش به قدرت اصالت می‌دهد یا بر مبنای روابط با قبیله‌ها حرکت می‌کند. خب این‌ها اصولی است که پذیرفته‌اند. اما باید پذیرفت که عنصر اعتقاد و مذهب نیز در این جریان نقش اساسی دارد؛ هم از این نظر که ساکنان منطقه تحت سیطره‌اش از صلاح‌الدین تا حلب، پیرو مذهب حنفی اند و هم به گفتة‌شما، ۹۵ درصد اعضای داعش عراقی اند و هم اینکه اعضا کاملاً وفاداراند و در درگیری‌ها تا سر حد مرگ مقاومت می‌کنند. چنین عملکردی در بدنۀ داعش فراتر از باور صرف سیاسی است. گرچه می‌گویند به‌دلیل فروشن نفت و سرمایه‌گذاری‌های کلان در کشورهای عربی و جاهای دیگر، دستمزد خوبی به اعضا‌یاش می‌دهند. با همه‌ای این احوال باید داعش را جریانی مذهبی-سیاسی بدانیم که برای کسب قدرت و تشکیل حکومت می‌جنگد. در عراق داعش نشان داد که دارای برنامه عمل و برخوردار از پشتیبانی مردم در منطقه عملیاتی خودش است. اینکه می‌گویند نشرۀ قوی منتشر می‌کند و فیلم‌ی می‌سازد، مؤید باورمندی و برنامه‌داری است. نظر شما چیست؟

● من تأیید می‌کنم. درست است. داعشی‌ها از دو بستر برای رشدشان استفاده کرده‌اند. یک بستر ویژه که در منطقه‌ ما وجود دارد و آن نفرت سنگین مردم از غرب به‌ویژه آمریکاست. خود آمریکایی‌ها می‌گویند، به طور میانگین بیش از ۸۰ درصد مردم در جهان اسلام از ما نفرت دارند. اینان آمدن و گفتند اگر جریانی در جهان اسلام به وجود بیاید که شعار ضدآمریکایی بدهد، می‌تواند ظرفیت ضدآمریکایی منطقه را دور خود جمع کند.

اما بستر دوم حس سرخوردگی‌ای بود که به بخش‌هایی از اهل سنت در مقایسه خود با شیعیان پیدا کرده بودند. از نظر آنان، شیعه با کمی جمعیت خود توانست به قدرت برسد اما خودشان (سنی‌ها) که ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت جهان اسلام را تشکیل می‌دهند، می‌گویند نتوانسته‌ایم حکومت مقتصدی داشته باشیم. می‌گویند حکومت‌های کنونی در کشورهای ما ولیسته، مزدور، فاسد و عقب‌افتداده‌اند. لذا شغال بغداد، فرصتی پیدید آورد تا این دو حس (نفرت ضدآمریکایی و حقارت در برابر شیعیان از سوی نخبگان و مردم) به هم برسد و سبب پدید آمدن گروهی مانند داعش شود. این حس تا وقتی امید به بقا باشد، وجود دارد؛ گرچه داعش از آن حس و حال اولیه افتاده و آتش آن در حال فروکش کردن است. از شما به خاطر شرکت در این مصاحبه تشکر می‌کنم.

اول، اساساً تروریسم در منطقه محصول اشغالگری است، آن هم تروریسم سازمان یافته. در مقاطعی، یک یا چند نفر می‌رفتند در جای خلوتی یک نفر را می‌کشند و به اصطلاح ترور سیاسی می‌کردند اما تشکیل سازمانی در حد و اندازه القاعده یا داعش در منطقه‌ ما، محصول اشغالگری است. خیلی خوب می‌توان ثابت کرد که القاعده، محصول اشغالگری در افغانستان است. تروریسم در سوریه نیز محصول اشغالگری و اشغالگران است. عرض کردم که اینان، یعنی (آمریکا، اروپا و کشورهایی مثل عربستان، اردن، قطر و ترکیه)، هدف راهبردی خود را اسقاط اسد در سوریه و نوری مالکی در عراق قرار داده بودند تا بتوانند از طریق آن جمهوری اسلامی را از بین ببرند.

● یعنی می‌خواستند جبهه مقاومت در مقابل اسرائیل را در سوریه از بین ببرند؟ درست است. شما به منطقه درگیری نگاه کنید، تمامی در منطقه مقاومت است. درگیری یک وجہ آن طرف از منطقه مقاومت نیست. برای مثال، در ترکیه، عربستان، قطر و کویت درگیری نیست.

● شما فقط به اردنی که مرز مشترک با رژیم اشغالگر قدس دارد، اشاره کنید، کافی است. می‌دانیم که اخوانی‌ها در اردن قدرت کمی ندارند. در ضمن جالب است، اردن مرکز مهم آموزش نظامی تروریست‌ها برای اقدام عملیاتی در سوریه است و هیچ درگیری در اردن نیست.

● بله، در اردن درگیری نیست. آن جهانی درگیری است یا قصد درگیری دارند که جبهه مقاومت آن شناخته شده است؛ یعنی سوریه، لبنان و عراق. مجرای درگیری را برای ضربه زدن و در نهایت از بین بدن جبهه مقاومت به وجود آورده‌اند.

● رهبر داعش را بوبکر البغدادی السیدالحسینی الهاشمی التمیمی نام گذاشتند. این نام گذاری به این معناست که می‌گویند خلیفه باید از قبیله قریش باشد.

● روایتی داریم که می‌گوید، ائمه از قریش اند.

● ائمه یعنی خلیفه. آنان خلیفه می‌گویند، اما به اعتقاد شیعه، در این حدیث به امامان دوازده‌گانه (ع) اشاره شده است. آنان هم می‌گویند براساس سخنان پیامبر (ص)، خلیفه باید از قریش باشد. بعد تخصیص می‌زند که باید از قبیله هاشم باشد. البته اینان دروغ می‌گویند. نام واقعی رهبر